

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهدیه بزرگی

زهراء عبادی

مقایسه رویکرد عرفانی امام خمینی(ره) در تفسیر با رویکرد ملاصدرا

چکیده

تفسیر عرفانی، گرایش ویژه‌ای از تفسیر قرآن و بر اساس آموزه‌های عرفانی و ذوقی و مبانی سیر و سلوک ویژه‌ای که از طریق کشف و شهود باطن به دست می‌آید، بوده و با این شیوه مفسر به بیان بطون و لایه‌های پنهان آیات می‌پردازد. از نگاه امام خمینی^ع قرآن و روایات و همچنین ادعیه‌های مأثوری که از ائمه^β وارد شده سرشارند از تعبیر عرفانی و مضامین والای معنوی که تنها با مبانی عرفانی قابل تفسیر هستند. ایشان در تفسیر خویش دارای روشی عرفانی بوده و به نظر ایشان بهترین شیوهی فهم قرآن و تبیین معانی بلند آن، برداشتهای عرفانی- اخلاقی است. نگارندگان در این پژوهش برآنند تا ضمن تبیین رویکرد عرفانی امام خمینی^ع در تفسیر، دیدگاه عرفانی ملاصدرا را نیز بیان نموده و براساس این دو دیدگاه به بررسی عرفان امام خمینی^ع در تفسیر بپردازد. ملاصدرا به برقراری وحدت میان عرفان، عقل و وحی اهتمام داشته و بر عقل به عنوان حجت درونی بیشتر تاکید نموده است. ارتباط متقابل معرفت النفس و معرفت الرب، اخلاق مداری، پایبندی به شریعت و عبادات، اهتمام به تهذیب نفس و... از نشانه‌های عرفان نظری و عملی حقیقی در آثار ملاصدرا است. پس از بررسی این موارد برآن شدیم که رویکرد عرفانی امام خمینی^ع برگرفته از این مبانی بوده است.

کلید واژه‌ها: امام خمینی^ع، عرفان، تفسیر، رویکرد عرفانی، ملاصدرا.

مقدمه

امام خمینی^ع در تفسیر قرآن، صاحب روش و تأثیرگذار در منهج تفسیر عرفانی بود. ایشان به عنوان

شخصیتی اثرگذار در قرن اخیر از جهات مختلفی همچون فقه - به عنوان یک فقیه و مجتهد در عرصه فقه و صاحب نظر در همه‌ی علوم مربوط به شریعت اسلامی- و یا به عنوان فیلسوفی متبحر که مرزهای فلسفه اسلامی را درنور دیده، مورد توجه بوده اند. در پژوهش‌پیش رو پس از بررسی شخصیت امام خمینی به عنوان عارفی سالک *إلی الله*، ابعاد مختلف سیر عرفانی ایشان را مورد توجه قرار داده و به واکاوی نوع نگاه ایشان به عرفان اسلامی و از همه مهم‌تر تفسیر عرفانی ایشان از قرآن کریم پرداخته ایم. با مطالعه‌ی زندگی امام درمی‌یابیم ایشان به عنوان عارف و واصل، سیری را پیش گرفته که با بسیاری از عرفان‌هایی که امروزه به عنوان معنویت به جوانان عرضه می‌شود، تفاوت مبنایی دارد، یکی از شاخص‌هایی که در معنویت و عرفان امام خمینی مشاهده می‌شود و شاخص خوبی برای تشخیص عرفان الهی از شبه عرفان‌های تقلبی است، این است که عرفان ایشان عرفانی دینی، مبتنی بر مفهومی به نام تقوا یا کف نفس است؛ یعنی هرکس به ما بشارت عرفان و معنویت و رشد معنوی بدهد ولی خود مفهوم کف نفس و تقوا را از دستورالعمل‌هایش حذف کرده باشد، نمی‌توان راه و مسلک او را به عنوان طریقی صحیح و مطمئن پیگیری نمود. انواعی از عرفان‌های قدیمی و نیز معنویت‌های مدرن سکولار وجود دارند که براساس عرفان منهای تقواست؛ یعنی یک عرفانی ارائه می‌دهند که در آن تقوا یا اساساً مطرح نیست؛ یا کاملاً رقیق شده و تشریفاتی است. ملاصدرا و همچنین علامه طباطبایی که در عرصه فلسفه، کلام، عرفان، علوم حدیث و تفسیر قرآن دارای آثاری ارزشمند هستند با پدیده جهله صوفیه و عرفان‌های کاذب مواجه بوده و خود با تهذیب، طهارت و دینداری در عرصه ایمان و عرفان به مراتب بالایی از معرفت دست‌یافته‌اند. وضعیت اجتماعی دوران زندگی ایشان و نیز عهده‌ی که خداوند از عالمان حقیقی گرفته است، می‌تواند از جمله دلایلی باشد که این متفکران را بر آن داشت تا به ایضاح این انحرافات و خطاهای گمراهان و مدعیان این عرصه بپردازند، و با ارائه تعالیم عرفان ناب اسلامی و معرفی عارفان راستین از پرچم داران راه حقیقت باشند. ملاصدرا اثری مستقل در مبارزه با صوفی‌نماها نگاشته است. علامه طباطبایی نیز به عنوان پیرو مکتب ملاصدرا از آموزه‌های او بهره برده و در لابه لای مباحث قرآنی در المیزان و آثار مستقل دیگر خود به این بحث پرداخته است. به همین دلیل پژوهش پیش رو تلاشی است تا با تعریفی مستند و دقیق از عرفان اسلامی و همچنین توجه به هر دو بعد عرفان (نظری و عملی)، با تکیه بر دیدگاه ملاصدرا، شخصیت امام خمینی^ع را به عنوان الگویی کامل برای رهپویان طریقت و تشنگان معرفت معرفی شود.

1) مفهوم شناسی و تعریف اصطلاحات

1-1) عرفان

عرفان در لغت به معنای شناختن و دانستن بعد از نادانی است. (معین، 1371، 2: 2292) و در اصطلاح عبارتست از معرفت قلبی که از طریق کشف و شهود و نه بحث و استدلال حاصل گشته و آن را علم وجدانی نیز می‌نامند و به کسی که واجد مقام عرفان باشد «عارف» می‌گویند و دانشی که مبتنی بر عرفان است را «معرفت» می‌نامند. (مصاحب، 1356، 2: 1729 ذیل مقاله عرفان.) همچنین می‌توان عرفان را به دو نوع عرفان نظری و عرفان عملی تقسیم نمود. عرفان نظری به تفسیر هستی پرداخته و درباره خدا و جهان و انسان بحث می‌کند، اما عرفان عملی وظایف انسان را با خدا و جهان هستی مشخص می‌نماید.

1-2) تفسیر

تفسیر که در طول قرون متمادی مورد توجه علمای اسلامی بوده، دارای تعاریف متعددی از جمله اینکه علمی است که به واسطه آن فهم، بیان معانی، استخراج احکام و حکمت‌های قرآن کریم، که از سوی خدای متعال بر نبی اکرم α نازل گردیده، شناخته می‌شود یا اینکه «تفسیر، علمی است که از تبیین دلالات آیات قرآنی، برای [فهم] مراد خدای سبحان بحث می‌کند که البته غرض از آن وقوف بر مراد خدای متعال، از جوانب مختلف از قبیل شناختن معارف، نوع مواجهه با دشمنان، قصص قرآنی و همچنین استنباط احکام شرعی است». (سبحانی، (بی تا) ص 12)

تفسیر عرفانی یا تفسیر (رمزی) و (اشاری) به بیان باطن آیات قرآن و همچنین معانی رمزی و اشاری آنها می‌پردازد و مبتنی بر آموخته‌های ذوقی و عرفانی و مبانی سیر و سلوک بوده و از طریق کشف و شهود به دست می‌آید.ذهبی در این باره می‌گوید: تفسیر اشاری امری جدید در بیان معانی قرآن کریم نیست بلکه این روش یک شیوهی شناخته شده و مورد قبول از عصر نزول بر پیامبر اکرم α است و قرآن کریم به این روش اشاره دارد و رسول گرامی α نیز به آن آگاهی داده و به صحابه خود آموخته است. پلنویا نیز معتقد است نخستین نمونه‌های تفسیر عرفانی در آموزه‌های امام صادق γ ، مخصوصاً در زمینه‌هایی همچون جفر و حوزه تجربه عرفانی، دیده می‌شود که ضمن حقائق التفسیر سُلَمی

آمده است. (نویا، 1373، 1: 139-136) و آیت الله معرفت نیز در تعریف تفسیر عرفانی می‌فرمایند: «تفسیر عرفانی آن است که آیات براساس تأویل ظاهر آنها و مراجعه به باطن تعبیر قرآن و اعتماد بر دلالت رمزی و اشاری آیات صورت می‌گیرد و نه دلالت ظاهری آن، بلکه برخاسته از جوانب کلام و ذوق عرفانی است». (معرفت، بی‌تا، 2: 526) لازم به ذکر است که در تفاسیر عرفانی، مفسران با بواطن و اسرار آیات سروکار دارند. (همان: 67). وجه تمایز تفسیر عرفانی با دیگر روش‌ها در تفسیر، به کار بردن «زبان اشارت» و مصطلحات ویژه‌ای است که طبیعت تجربه عرفانی مقتضای آن است. به همین دلیل، به تفسیر عرفانی، تفسیر اشاری نیز اطلاق می‌گردد و این اشارات عرفانی، گاهی با ظواهر الفاظ قرآن قابل جمعند و از طرفی دیگر اینکه قرآن دارای ظاهر و بطن بوده و روایات متعددی به این مطلب اشاره می‌نماید، مانند روایات نقل شده از امام صادق علیه السلام «إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللُّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللُّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ» (مجلسی، 1403، 75: 278) کتاب خداوند بر چهار امر استوار است: بر عبارت و اشارت و لطایف و حقایق سپس عبارت‌های آن برای عموم مردم است و اشارات آن برای افراد خاص است و لطایف قرآن برای دوستان و اولیاست و حقایق قرآن برای پیامبران است. همچنین فرمایش امام علی علیه السلام که فرمودند: «وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تَنْقُضِي عَرَائِبُهُ وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ» (سیدرضی، 1412ق خطبه 18) همانا قرآن دارای ظاهر زیبا و باطنی ژرف است مطالب شگفت انگیز آن تمام نمی‌شود و اسرار نهفته آن پایان نمی‌پذیرد و تاریکی‌ها بدون قرآن برطرف نخواهد شد و... .

2) رویکرد عرفانی امام خمینی رحمته الله علیه در فهم قرآن

از برجسته‌ترین نقاطی که در اندیشه‌ی تفسیری امام خمینی رحمته الله علیه مشاهده می‌گردد تأکید فراوانی است که ایشان بر مقاصد قرآن دارند. به عقیده ایشان اگر مفسر مقاصد قرآن را روشن ننماید؛ هر چند در شرح کلمات و بیان معنوی واژگان کلام الهی کامیاب باشد، باز هم نمی‌توان وی را مفسر قرآن دانست؛ از این رو تفاسیری که تاکنون بر قرآن نگاشته شده را تفسیر قرآن قلمداد نکرده و آنها را صرفاً ترجمه‌هایی برشمرده که برخی از آنها بوی از قرآن دارند (خمینی، 1378، 19: 8). ایشان ضمن پافشاری بر بیان مقاصد کتاب الهی، مهم‌ترین هدف و والاترین مقصد قرآن را توجه به سیر و سلوک

عرفانی و راهنمایی به سوی طرق سعادت و کلمات انسانی و تحوّل معنوی جوامع بشری دانسته، می‌فرمایند: به طور کلی، معنای نفسی کتاب آن است که شرح مقاصد آن کتاب را بنماید، و نظر مهم به آن، بیان منظور صاحب کتاب باشد... کتاب خدا، کتاب معرفت و اخلاق و دعوت به سعادت و کمال است؛ کتاب تفسیر نیز باید کتاب عرفانی اخلاقی و مبین جهات عرفانی و اخلاقی و دیگر جهات دعوت به سعادت آن باشد. مفسری که از این جهت غفلت کرده یا صرف نظر نموده یا اهمیت به آن نداده، از مقصود قرآن و منظور اصلی نزول کتاب و بعثت پیامبران غفلت نموده است و این خطاییست که قرن‌هاست این ملت را از استفاده از قرآن شریف محروم نموده و راه هدایت را به روی مردم مسدود کرده است. (خمینی، 1380: 193-192؛ خمینی، 1378، 11: 219-218)

3) رویکرد عرفانی ملاصدرا در فهم قرآن

استفاده از دستاوردهای دانش دیگران در تمام دانش‌ها امری پذیرفتنی و متداول است اما چنین امری در کاری نظیر تفسیر که با متن مقدسی همچون قرآن سر و کار دارد از اهمیت والایی برخوردار است زیرا قرآن حاوی علوم و دانش‌های مختلف بوده و برای فهم و تبیین آن از علوم مختلفی می‌بایست کمک گرفت که بخشی از آن‌ها همچون مباحث ادبی ناظر به ساختار قرآن است و بخشی همچون معارف و براهین قرآن به محتوای آن مرتبط است در قرآن از مباحث، خداشناسی معاد شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، تاریخ و فرهنگ از امت‌های پیشین و ... سخن به میان آمده است. آیا آگاهی عمیق و گسترده از همه این دانش‌ها از یک مفسر ساخته است. آیا جز آن است که مفسران قرآن به ناگزیر می‌بایست از دانش‌های تخصصی یکدیگر در هر یک از زمینه‌های قرآن کمک بگیرند تا تفسیر کامل‌تری از قرآن را ارائه دهند؟ تفسیر صدرالمتألهین از این جهت تفسیر ستودنی است درنگریستن در این تفسیر نشان می‌دهد که ملاصدرا به رغم منزلت رفیعی که برای اندیشه‌های عرفانی خودش داشت خود را از مراجعه، به سایر تفاسیر و حتی مرزهای فراتر از آن و منابع دیگر مرتبط، بی‌نیاز ندیده و پیوسته از گفتار و نگرش‌های دیگران برای غنایی مباحث خود بهره گرفته است. صدرالمتألهین در مباحث آغازین تفسیر خود بر ضرورت مراجعه به سایر تفاسیر این چنین تأکید کرده است. هر کسی که بخواهد وارد گرداب این دریای عمیق شود و جسورانه در آن به غور و غوازی بپردازد، و نه بسان فرورفتن همراه با ترس و لرز، می‌بایست در آغاز

طبیعت، ظاهر شود و ما و شما و همه یا حرکت به سوی قعر جهنم می‌کنیم یا به سوی بهشت و ملأ اعلی... جهنم و بهشت هر کس نتیجه اعمال اوست. هر چه کشتیم، درو می‌کنیم. فطرت و خلقت انسان بر استقامت و نیکی است. سرشت انسانی در جهت به خیر است. ما خود این سرشت را به انحراف می‌کشانیم و ما خود حجب را می‌گسترانیم و تارها را بر خود می‌تنیم. (صحیفه نور، 1378، 22: 345) با تأملی در آثار حضرت امام شاهد آنیم که همه همانند نمونه‌هایی که گذشت، حکایت از روش عرفانی، رمزی و اشاری ایشان در تفسیر دارد.

با بررسی تفسیر المیزان علامه طباطبایی و تفسیر القرآن الکریم ملاصدرا در رابطه با آیات سوره حمد این دو مفسر عارف نیز در تفسیر خود همانند حضرت امام^ع از روش عرفانی، رمزی و اشاری استفاده نموده‌اند.

❖ ملاصدرا در تفسیر مالک یوم الدین

إِجَادَ الْأَشْيَاءِ إِمَّا عَلَى سَبِيلِ التَّكْوِينِ كَخَلْقِ الْأَبْدَانِ وَ مَا فِي حَكْمِهَا بِحَسَبِ النُّشْأَةِ الْأُولَى، وَ إِمَّا عَلَى سَبِيلِ الْإِبْدَاعِ كِإِنْشَاءِ الْأَرْوَاحِ وَ مَا فِي حَكْمِهَا بِحَسَبِ النُّشْأَةِ الثَّانِيَةِ وَ اللَّهُ تَعَالَى خَالِقُ الْخَلْقِ وَ الْأَمْرُ جَمِيعًا، مَالِكُ الْمَلِكِ وَ الْمَلَكُوتِ مَلِكُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَلَمَّا أَشَارَ إِلَيْهِمَا بِذِكْرِ صِفَتِي الرَّحْمَانِيَةِ وَ الرَّحِيمِيَةِ بَعْدَ الدَّلَالَةِ عَلَى اخْتِصَاصِ الْحَمْدِ بِهِ وَ أَنَّهُ بِهِ حَقِيقُ لِسْتِجْمَاعِهِ جَمِيعِ الصِّفَاتِ الْكَمَالِيَةِ، بَيَّنَّ كَيْفِيَّةَ الْخَلْقِ فِي الدُّنْيَا بِقَوْلِهِ: رَبِّ الْعَالَمِينَ لَمَّا مَرَّتِ الْإِشَارَةُ إِلَيْهِ مِنْ أَنَّ هَذَا الْعَالَمَ الدُّنْيَوِيَّ وَجُودَهُ إِنَّمَا يَكُونُ عَلَى سَبِيلِ التَّدْرَجِ وَ الْخِدْوَاعِ شَيْئًا فَشَيْئًا. وَ بَيَّنَّ كَيْفِيَّةَ إِنْشَاءِ النُّشْأَةِ الْآخِرَةِ بِقَوْلِهِ: مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ إِذِ الْمَلِكُ الْحَقُّ مِنْ لَهْ ذَاتِ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَغِيبُ عَنْهُ شَيْءٌ أَصْلًا فَيَكُونُ وَجُودُ الْأَشْيَاءِ عَنْهُ وَ لَهُ دَفْعَةٌ مِنْ غَيْرِ تَرَاخٍ وَ هَذَا مَعْنَى الْإِبْدَاعِ وَ الْأَوَّلِ مَعْنَى التَّكْوِينِ.

نتیجه گیری

روش امام خمینی^ع، در تفسیر آیات روش عرفانیست و معتقدند آیات قرآن دارای رموز و اشارات فراوانیست که فهم و دریافتش مخصوص خواص است. تفسیر عرفانی ایشان در آثار باقی مانده از ایشان بویژه در سوره

حمد نمایان است. از منظر امام ع تفسیر عرفانی با تفسیر به رأی تفاوت داشته و هدف بزرگ مفسران قرآن را کشف و همچنین دریافت مقاصد نهایی قرآن، که همان بیان نکات عرفانی در فهم آیات است، می‌داند، در واقع مقایسه‌ای که میان رویکردهای عرفانی هر دو شخصیت صورت گرفت این نتیجه حاصل گردید که کتاب تفسیر باید کتاب عرفانی و اخلاقی باشد که دعوت به سعادت نماید و انسان را به قرب الی الله برساند. همچنین با توجه به مبانی و معیارهای عرفان راستین از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی و رویکرد عرفانی آنان در تفسیر و مقایسه آن‌ها با شاخص‌ها و پیش فرض‌های حضرت امام ع می‌توان اظهار داشت، عرفان مورد نظر امام، همان عرفان الهی و دینی‌ست که انسان را به مقام منیع انسانیت می‌رساند. این مقام همان چیزی‌ست که خداوند تعالی از خلقتش منظور داشته؛ پس امام دارای مکتبی عرفانی بوده که دارای مشخصه‌هایی است که آنرا از بسیاری از مکاتب عرفانی که امروزه شاهد آنها هستیم متمایز می‌نماید و در ضمن یادآور می‌شویم که در این عرفان، با نگاهی خاص به جهان هستی و پدیده‌های موجود، تفسیری خاص از عالم هستی ارائه گردیده که این تفسیر با روایات معصومین^β مطابقت کامل دارد، و نکته‌ی دیگر آن که این عرفان به تمام جوانب زندگی انسان توجه نموده و در همه عرصه‌های زندگی-چه فردی و چه اجتماعی-به صورت فعالانه وارد می‌شود. با تأملی در سیره‌ی معصومین^β نیز می‌توان چنین فهمید که معنویت و عرفانی‌مورد پذیرش واقع می‌گردد که انسان را منزوی و گریزان از جامعه و جمعیت مسلمانان نکند، بلکه انسان را به سوی اصلاح اجتماع و ناهنجاری‌های اجتماعی سوق دهد. شخصیت امام خمینی^ع به عنوان یک عارف و سالک الی الله برای همه‌ی کسانی که شوق دیدار حق و لقاء الله و درک درجات بالای انسانی را دارند چه از لحاظ فردی و چه اجتماعی می‌تواند الگویی از انسان کامل باشد، و نگاه جامع و نافذ ایشان در جنبه‌های تفسیری هم می‌تواند زمینه ساز فهم و معرفت عمیق از جهان هستی و بالطبع شکل‌گیری روابط انسان‌ها براساس عدل و تقوا و رشد انسانیت در میان ابنای بشر باشد.

منابع و مآخذ

1. قرآن کریم، (1415ق) ترجمه استاد الهی قمشه ای (ره)، تهران: دار القرآن کریم. چاپ اول.
2. ابن حنبل، احمد، (بی تا)، مسند احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر.

3. ابن عربی، محی الدین، (بی تا)، الفتوحات المکیه، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
4. ابونصر سراج، عبدالله بن علی، (بی تا)، اللُّمَع فی التصوف، تصحیح و تنظیم رینولد آلن نیکلسون، تهران: اساطیر، چاپ افست.
5. آتش، سلیمان، (1381)، مکتب تفسیر اشاری، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
6. جامی، عبدالرحمن، (1398ق)، نقد النصوص، تهران: انجمن فلسفه ایران.
7. جواد آملی، عبدالله، (1378)، بنیان مرصوص، قم: مرکز نشر اسرا.
8. خمینی، سید روح الله؛ (بی تا)، کشف الاسرار، قم: مصطفوی.
9. -----؛ (1374)، چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
10. -----؛ (1378 ش)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
11. -----؛ (1380 ش)، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
12. -----؛ (1377)، شرح حدیث عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
13. -----؛ (1371)، جلوه های رحمانی، تهران: معاونت فرهنگی بنیاد شهید.
14. -----؛ (1378)، تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
15. سبحانی، جعفر (بی تا)، المناهج التفسیریة، قم: مؤسسه امام صادق ع.
16. سیدرضی، محمد بن حسین، (1412ق)، نهج البلاغه، قم: دارالذخائر، چاپ اول.
17. سیوطی، عبدالرحمن، (1363)، الإِتقان فی علوم القرآن، بیروت: المكتبة الثقافية.
18. شاطبی، ابراهیم بن موسی، (1395ق)، الموافقات فی اصول الشریعه، بیروت: المكتبة الثقافية، جلد 3.
19. صدرالمتالیهین، محمد بن ابراهیم، (1366 ش)، تفسیر القرآن الکریم، نشرقم: انتشارات بیدار.
20. -----، الاسفار الاربعه، (1368 ش)، ج 4، نشرتهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

21. طباطبایی، محمد حسین، (1370)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
22. -----؛ رسالت تشیع در دنیای امروز، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
23. -----؛ (1354)، شیعه در اسلام، کتابخانه بزرگ اسلامی.
24. عمید زنجانی، عباسعلی، (1373)، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن تهران، چاپ ارشاد.
25. غزالی، محمد بن محمد، (1412ق)، احیاء علوم الدین، بیروت: المكتبة الثقافية.
26. فرامرزی قراملکی، احد، (1384ش)، «ملاصدرا حلقه اتصال حکمت قرآنی و فلسفه ارسطویی»، گلستان قرآن، شماره 210.
27. فنایی اشکوری، محمد، (1385)، وحدت متعالی مشرب‌های معرفت در نزد حکمای مکتب اصفهان، در مجموعه مقالات همایش بین المللی قرطبه و اصفهان، تهران: دانشگاه تهران.
28. فیض کاشانی، ملا محسن، (1399ق)، الصافی فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
29. کلینی، محمد بن یعقوب، (1369ش)، أصول الکافی، تهران: کتاب علمیه اسلامیة فروشی، چاپ اول.
30. گولد تسیهر، ایگناتس (1405ق)، مذاهب التفسیر الاسلامی، ترجمه عبدالحلیم نجار، بیروت.
31. مجلسی، محمد باقر، (1403ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
32. مصاحب، غلامحسین، (1356)، دائرة المعارف فارسی، تهران: نشر امیرکبیر.
33. معرفت، محمد هادی (بی تا)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، مشهد: جامعة الرضوية.
34. معین، محمد، (1371)، فرهنگ فارسی، تهران: نشر امیرکبیر.
35. مکی، ابوطالب، (1310)، قوت القلوب فی معاملة المحبوب و وصف طریق المرید الی مقام التوحید، قاهره: چاپ افست بیروت.
36. نوپا، پل، (1373)، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

37. یزدان پناه، (1388)، مبانی و اصول عرفان نظری، نگارش عطاء انزلی، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

38. هجویری، علی بن عثمان، (1358)، کشف المحجوب، به تصحیح والنتین ژوکوفسکی، لنینگراد 1926، تهران.